



A Study of the structure, content and elements of guerilla poetry in the works of Ali Moosavi Garmārūdi and Siāvash Kasrāei

**Seyyed Masood. Siadati¹ -Abdollah. Hasanzadeh Mirali^{2*} -Mohammad.
Rezaei³**

1: PhD student of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.

2: Associate Professor of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran
(Corresponding Author): a.hasanzadeh@semnan.ac.ir

3: Associate Professor of Persian Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran.

Abstract: The political and social upheavals since the time of constitutionalism caused changes in Persian poetry and literature. In this relation, mass protests, bloody repressions, and guerilla uprisings was reflected in the literature, and poetry took on the tone of commitment, resistance, and stability. Guerrilla poetry, due to its revolutionary thoughts and ideals, prioritizes content over form. This research seeks to investigate this specific type of contemporary literature and new poetry, in which the role of content is more than form, and new language functions are created, due to political conditions. Furthermore, in terms of content and audience, it has borne the ideological weight of a particular group of intellectuals and political activist. This library-based research employed systematic note-taking and a descriptive and analytical methodology to examine Persian poetry collections of the 1950s and 1960s, especially the works of Ali Moosavi Garmārūdi and Siāvash Kasrāei. As such, guerrilla poetry has been identified and its functions have been represented in a politically volatile and socially turbulent time. The results of the research show that the use of words related to war is one of the important elements of Garmārūdi's guerilla poetry. Words such as weapon, gun, sword, blood, and prison manifest threats and warnings to the enemies. Garmārūdi, influenced by religious and class culture, has also reflected ideological themes in his poetry. Considering himself as belonging to the suffering majority, Kasrāei always prioritizes dealing with the suffering of the masses and the necessity of struggle in all his collections. According to Kasrāei, the only way to liberate the Iranian nation is to unite the masses of people and support the heroes who sacrifice their lives for their country. He use a metaphoric and symbolic language to unravel the enemy of the nation through poetry.

Keywords: literature, guerilla poetry, Ali Moosavi Garmārūdi, Siāvash Kasrāei.

- S.M. Siadati; A. Hasanzadeh Mirali; M. Rezaei (2025). "A Study of the structure, content and elements of guerilla poetry in the works of Ali Moosavi Garmārūdi and Siāvash Kasrāei". Semnan University: *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies*. 16(40). 129-156.

[Doi: 10.22075/jlrs.2024.34452.2485](https://doi.org/10.22075/jlrs.2024.34452.2485)

سال شانزدهم - شماره ۴۰ - تابستان ۱۴۰۴

صفحات ۱۵۶-۱۲۹ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۳/۰۳/۲۵ بازنگری ۱۴۰۳/۰۷/۰۴ پذیرش ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی و سیاوش کسرای

سید مسعود سیادت^۱ / عبدالله حسن زاده میرعلی^۲ / محمد رضایی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

a.hasanzadeh@semnan.ac.ir

چکیده: تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی از زمان مشروطه، باعث تحولاتی در شعر و ادب فارسی شد. در این راستا، بازتاب اعتراضات مردمی و سرکوب‌های خونین و قیام‌های چریکی به ادبیات راه یافت و شعر، رنگ‌وبوی تعهد، مقاومت و پایداری به خود گرفت. شعر چریکی به دلیل اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلابی خویش، به محتوا بیشتر می‌اندیشد و فرم را در مراتب بعدی قرار می‌دهد. این تحقیق در تلاش است گونه‌ای خاص از ادبیات معاصر و شعر نو را بررسی کند که نقش محتوا در آن بیش از فرم است و به واسطه شرایط سیاسی، کارکردهای جدید زبانی را ایجاد می‌کند؛ همچنین به لحاظ محتوا و مخاطب، بار رسالت طیفی خاص از روشنفکران و مبارزان سیاسی را به دوش کشیده است. در این تحقیق، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای، فیش‌برداری، توصیف و تحلیل دیوان شاعران دهه‌های ۳۰ و ۴۰ انجام شد. به‌ویژه آثار علی موسوی گرمارودی و سیاوش کسرای، در آن دوره به‌عنوان شعر چریکی شناسانده شده است و کارکردهای آن در دوره‌ای از جامعه ملت‌طلب و سیاست‌زده بازنمایی می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از بن‌مایه‌های مهم شعر چریکی گرمارودی، کاربرد واژه‌های مرتبط با جنگ است. واژه‌هایی چون سلاح، اسلحه، تفنگ، شمشیر، خون، زندان و... همچنین نمودهایی از تهدید و انداز نسبت به دشمنان دیده می‌شود. گرمارودی متأثر از فرهنگ دینی و طبقاتی، درون‌مایه‌های ایدئولوژیکی را نیز انعکاس داده است. کسرای نیز که خود را از طبقه رنج‌دیده می‌داند، پرداختن به رنج توده و لزوم مبارزه را همواره در تمام دفترهای شعری خود در اولویت قرار می‌دهد. از نظر کسرای، تنها راه رهایی ملت ایرانی، اتحاد توده‌های مردم و حمایت از قهرمانانی است که برای حفظ کیان ایران جان‌فشانی می‌کنند. او با استفاده از زبان استعاری و استفاده از نمادهای مبارزاتی دشمن ملت را به آن‌ها می‌شناساند.

کلیدواژه: ادبیات، شعر چریکی، علی موسوی گرمارودی، سیاوش کسرای.

– سیادت، سید مسعود؛ حسن زاده میرعلی، عبدالله؛ رضایی، محمد (۱۴۰۴). «بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی و سیاوش کسرای». دانشگاه سمنان: *مطالعات زبانی و بلاغی*. ۱۶(۴۰): ۱۵۶-۱۲۹.

Doi: 10.22075/jlrs.2024.34452.2485

۱- مقدمه

تحول و دگرگونی ادبی گاهی محصول خیزش‌های درون یک جامعه بوده است و گاهی نیز ادبیات عامل اصلی و بستر مناسبی برای آغاز انقلاب و جنبش‌های سیاسی بوده است. از زمان مشروطیت، تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی، در ادب و شعر نیز تحولاتی به همراه داشت. قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مفاهیم شعری باب جدیدی گشود و بازتاب اعتراضات مردمی و سرکوب‌های خونین و قیام‌های چریکی به ادبیات نیز راه یافت و شعر رنگ‌وبوی تعهد، مقاومت و پایداری به خود گرفت و به زعم شمس لنگرودی شعری عصیانی، خودشکن، نومیدانه و سیاه (شمس لنگرودی، ۱۳۷۸: ۷۵) پا به عرصه ادبیات گذاشت و این چنین بود که شعر چریکی متولد شد. این شعر به دلیل اندیشه‌ها و آرمان‌های انقلابی خویش به محتوا بیشتر می‌اندیشد و فرم را در مراتب بعدی قرار می‌دهد. باین حال، فرم، ساختار و شگردهای بلاغی، به تمامی رها نمی‌شود، بلکه برای القای بهتر پیام، از ساختارهای مناسب استفاده می‌شود. ساختارهایی که برگرفته از سمبولیسم اجتماعی دوره قبل و گاه بر ساخته ذهن شاعر بوده است. از آنجا که شعر چریکی، جریانی مهم و اثرگذار در دهه‌های سی، چهل و پنجاه بوده است، ضرورت دارد در این پژوهش جریان شعر چریکی در آثار برخی از شاعران معاصر مانند، علی موسوی گرمارودی و سیاوش کسرای مورد بررسی قرار گیرد. سیاوش کسرای به عنوان فعال سیاسی، سالیان دراز در حزب توده فعال بود و در کنار شعر به مسائل سیاسی نیز پرداخته است. علی موسوی گرمارودی نیز از شاعران سیاسی و مبارز اسلام‌گرایی است که بسیاری از اشعارش در حمایت از حرکت‌های ظلم‌ستیزانه مجاهدان و مبارزان شکل گرفته است. اهمیت و ضرورت این پژوهش در آن است که اولاً ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی را معرفی می‌کند، دوم به معرفی شعر چریکی در راستای شعر اجتماعی می‌پردازد، سوم تفاوت‌های شعر چریکی با شعر اجتماعی، سیاسی، اعتراضی، جنبش، مقاومت یا پایداری را بیان می‌کند. این تحقیق بر آن است که گونه‌ای خاص از ادبیات معاصر و

شعر نو را بررسی کند که نقش محتوا در آن بیش از فرم است و به واسطه شرایط سیاسی کارکردهای جدید زبانی را ایجاد می‌کند و ساختارها بیشترین نقش را در این اشعار ایفا می‌کنند. همچنین به لحاظ محتوا و مخاطب، بار رسالت طیفی خاص از روشنفکران و مبارزان سیاسی (مبارزات چریکی) را به دوش کشیده است. بر این اساس، این پژوهش در تلاش است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد که کدام ساختارهای محتوایی، در شعر چریکی دهه سی تا پنجاه بیشترین کاربرد را داشته‌اند و آیا طیف‌های مختلف فکری از ساختارها و محتواهای مشترکی در اشعار چریکی بهره می‌جسته‌اند؟ این پژوهش در تلاش است تا نشان دهد که ساختارها چگونه توانسته‌اند در سطوح مختلف زبانی، ادبی و فکری شعر، نقش آفرینی کنند و کارکردهای شعر و ادبیات را در دوره‌ای از جامعه ملتهب و سیاست‌زده برتابانند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در ادبیات فارسی و درباره شعر چریکی، تحقیقی که اشعار همه شاعران شعر چریکی را بررسی کند و ساختار و محتوای مشترک طیف‌های فکری مختلف را باز شناساند، وجود ندارد؛ هرچند برخی مقالات، پژوهش‌ها و مصاحبه‌های منتشر شده وجود دارد، هر کدام به بخشی از مبارزات مسلحانه یا به برخی از شاعران یک طیف پرداخته‌اند. از جمله مقالاتی که در این زمینه منتشر شده است، مقاله‌ای با عنوان «بحثی درباره شعر چریکی» نوشته حمید احمدی است که در سال ۱۳۸۴ به بررسی سابقه اصطلاحات شعر چریکی، شعر جنگل و شعر سیاهکل پرداخته و وجیه غلامی که در همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه ادبیات زبان و ادبیات فارسی، در مقاله‌ای به نام «نمادپردازی در شعر چریکی معاصر» به بررسی نماد در شعر چریکی سه شاعر چپ‌گرا سلطان‌پور، کوش آبادی و گل سرخی پرداخته است. البته کتاب‌های پژوهشی در این باره منتشر شده است که حاصل پژوهش نویسندگان بوده است؛ از جمله شمس لنگرودی در سال ۱۳۷۸، کتاب تاریخ تحلیلی شعر نو را منتشر کرد. او کسی بود که برای نخستین بار نام شعر چریکی را بر این گونه از شعر گذاشت و در کتاب خود

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۳۳
به طور گسترده‌ای به ابعاد آن پرداخت. علی حسین پور جافی نیز در سال ۱۳۸۳ در کتاب جریان‌های شعری معاصر فارسی، جریان شعر چریکی و شاخه‌های آن را در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ بررسی کرده است. همچنین محمد صادقی در سال ۱۳۸۸ مقاله «درنگی درباره شعر چریکی ایران» و مهدی شاهرخ در سال ۱۳۹۹ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی درون‌مایه‌های اجتماعی اشعار سیاوش کسرایی» و مصاحبه‌هایی که از علی موسوی گرمارودی با عناوین متفاوت انتشار یافته است، پژوهش‌هایی را در حوزه شعر چریکی ایران پدید آورده‌اند.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. شعر چریکی

شعر چریکی، برگرفته از دل جامعه‌ای که خسته از ظلم و بیداد حکومت بود در دهه چهل از زبان شاعران چپ بیان شد و در دهه پنجاه شاعران مذهبی به این نوع شعر روی آوردند. شعری با درون‌مایه پایداری، با مضامینی برگرفته از مقاومت و مبارزه در برابر ظلم که مردم را به اتحاد و پیوند باهم تشویق می‌کرد و دعوت به قیام از مهم‌ترین ارکان این نوع شعر است. شعر چریکی را می‌توان، ادامه شعر نو اجتماعی دانست که با نیما شروع شده و از سال ۱۳۲۰ به بعد با تمثیل و نماد در شعر او به وجه سیاسی گراییده و در اوج نهضت ملی در اشعار هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرایی، اسماعیل شاهرودی و چند شاعر دیگر با چهره انقلابی به میدان تاخته بود که بعد از کودتا، چندی سکوت را در پیش گرفت تا اینکه با تپش و جوشش دوباره در شعر کسرایی و ناگهان در دهه چهل، خروشان و توفنده از شعر سلطان‌پور فوران زد و جریان جدیدی را در شعر سیاسی به دنبال آورد «تا اینکه در دهه پنجاه به اوج خود رسید (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۹۰). شعر چریکی، شعری صریح، آشکار و خشن است که با محتوایی عدالت‌خواهانه و سرشار از بیم و امیدهای فراوان، در مقطع خاصی از تاریخ مبارزات مردم، شکل گرفت. شاعران، تحت تأثیر زبان شعر کارگری و شعر اجتماعی سیاسی در مسیر شعر چریکی قدم گذاشتند که مبنای اصلی آن ترویج مبارزه و قیام مسلحانه بود. در شعر

چریکی، به خصوص در شاعران نخست این جریان، محتوا برتر از فرم است و پرداختن به هسته موضوعات مربوط به قیام و مبارزه با ظلم، برجسته تر از بازی های زبانی و شاخصه های ادبی است. همان طور که گفته شد، شاعر چریکی به دلیل اندیشه ها و آرمان های انقلابی خویش به محتوا بیشتر می اندیشید و فرم را در مراتب بعدی قرار می داد، اما این موضوع دلیلی نمی شود که شاعران شگردهای بلاغی را رها کنند. آن ها برای القای بهتر پیام خویش از شگردهای بلاغی گوناگون بهره برده اند که برجسته ترین آن ها نماد است. گاهی این نمادها تکراری و کلیشه ای هستند که بیشتر برگرفته از سمبولیسم اجتماعی دوره قبل و گاهی بدیع و برساخته ذهن شاعر هستند (غلامی و داودی مقدم، ۱۳۹۹: ۲۹). این نوع شعر از نظر محتوایی، فکری، مسائل اعتقادی و سیاسی به دو گروه یا شاخه شعر مذهبی یا مکتبی تقسیم می شود: نخست شاخه شعر مذهبی یا گرایش های اسلامی که شاعرانی همچون شفیعی کدکنی، نعمت میرزازاده، علی موسوی گرمارودی، طاهره صفارزاده در این گروه قلم می زدند، شاخه دوم شعر خلقی با گرایش های چپ گرایانه و سوسیالیستی که نماینده تمام عیار این شاخه گل سرخی است» (پورجافی، ۱۳۸۳: ۷۹)، «شعری عریان، انقلابی، خشن، شعاری و توفنده بود که درواقع با سازمان های چریکی، گروه های مبارزاتی و مردم انقلابی سخن می گفت و واژه هایی چون ستم، زندان، دشنه، تفنگ، مسلسل، رگبار، خون و... مصالح اصلی آن به شمار می رفت» (حسن لی، ۱۳۸۶: ۸۱). شکی نیست که شاعر ممکن است گاهی در شعری از عقاید خود فرارود و چه بسا از نگرشی، دفاع یا تمجید کند که با افکار او در تضاد باشد؛ اما شاعری را نمی شناسیم که بنیان گذار نوعی شعر باشد که تفکر سیاسی متضاد با اندیشه اش را ترویج و تبلیغ می کند. راست این است که علت هم گونی آثاری از کسرای با مثلاً کارهایی از سعید سلطان پور بیش تر خصوصیات از قبیل تند و صراحت آن ها است که مختص نگاه چریکی نیستند. در شعر «ویتنامی دیگر» واژه های سلاح، گلوله، باروت، شیبخون، سنگر، آتش و خون به کار رفته اند. این ها همان کلماتی هستند که شمس لنگرودی شعر سلطان پور را به دلیل به کار بردن

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۳۵

آن‌ها «شعر چریکی» دانسته است. در شعر یادشده چگوارا و مبارزه‌اش ستایش شده‌اند. بااین حال، شمس می‌گوید که جرقه‌هایی از شعر چریکی در آن دیده می‌شوند. اینکه کسرای دیگری چه باید می‌گفت تا تاریخ‌نویس محترم دست کم همین شعر او را چریکی ارزیابی می‌کرد، روشن نیست. شمس برای چریکی بودن شعر، صراحت، تندی و استفاده از برخی واژگان را معیار دانسته است و تصور می‌کند که شاعر توده‌ای در سرودن شعر بر چنین اساسی پیش گام بوده است. از این رو، در گزاره‌ای که کسرای را پدر شعر چریکی ایران اعلام می‌دارد تناقضی می‌بیند و برای رفع یا پوشاندن آن «به یک معنا» (کدام معنا؟) یاری می‌گیرد؛ اما واقعیت این است که کسرای هم جزء آن دسته از شاعرانی است که در دهه چهل، شعرهای تند سیاسی و انقلابی نوشته‌اند. او در دفاع از مبارزات مردم ویتنام و رزمندگان آمریکای لاتین، شعر گفته است؛ اما به نظر می‌رسد اولین شعرهای نو سیاسی و انقلابی از آن شاملو باشند (احمدی، ۱۳۸۴: ۵).

۲-۲. ویژگی‌های شعر چریکی

از جلوه‌های شایع شعر چریکی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برجسته کردن پیام‌های انسانی چون: صلح، آزادی، عدالت، حق‌خواهی و ...
- محتوا محوری و مخاطب‌اندیشی و توجه به عنصر احساس و اندیشه در حوزه طرح آرمان‌ها.
- وضوح و روشنی در زبان و بیان و پرهیز از پیچیده‌گویی و بهره‌گیری از «اسطوره» برای پروراندن شخصیت‌ها. روشنی و صراحت شعر مقاومت به منظور برقراری ارتباط با مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر است.
- تلفیق حماسه و عرفان برای بیان مفاهیم مقاومت و پایداری (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۷).

۳. بحث و بررسی

۳-۱. عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی

شعر موسوی گرمارودی ادبیاتی آیینی است و در این راستا ادبیاتی واقع گرا، متعهد، هدفمند و آگاهی بخش است. در آن پیام و درون‌مایه شعری نسبت به سایر عناصر شعر برجستگی دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است. دو بن‌مایه «مبارزه» و «مقاومت» در آن محوریت دارند و تمام درون‌مایه‌های دیگر، به شکلی در ارتباط با آن هستند. در بیشتر این شعرها، ارجاع بیرونی در پیوند با حوادث اجتماعی سیاسی زمان شاعر و آمیختن آن مفاهیم با عناصر و المان‌های دینی و مذهبی دیده می‌شود تا شعرش انعکاسی باشد از آنچه رخ می‌دهد و این نکته حتی در عناوین شعری بازتابانده شده است. شهادت، مبارزه، تصویر و توصیف جلوه‌هایی از صحنه‌های مبارزه، آرمان‌گرایی، شعر ایدئولوژیک، درون‌مایه‌های ظلم‌ستیزی و... از جمله عناوین و مضامین غالب در مجموعه شعرهای اوست. جهان‌بینی گرمارودی از نظر مقاومت و مبارزه‌طلبی علیه دشمن، فقط محدود به کشور خویش نیست؛ بلکه در هر جایی که جنگ، قتل و کشتار باشد، با مردمان آنجا همدردی می‌کند؛ به‌طوری که در مجموعه شعری «عبور» با سروده شعری با نام «سلام بر فلسطین» با مردم فلسطین همدردی کرده و با نوعی نگاه چریکی و مبارزه‌جویانه آنان را علیه دشمن تهییج می‌کند و اشعارش حکم اعلامیه‌های ضد رژیم را دارد. ترکیب‌ها، تصاویر و نگاه شاعر به انسان و اجتماع او را در یافتن واژگان با بسامد بالا و بار معناهایی چون خشم، خروش و خشونت یاری می‌کند. شاعر به مانند مردمش در برابر ظلم می‌ایستد و تمام شعرهایش آئینه تمام‌نمای فراز و فرودهای قیام و انقلاب بر ضد ظالمان است. شعری که آن‌ها تقدیم مردم می‌کنند شعری است که در اثنای آن، از بودن ظلم و تجاوز می‌سوزد و فریاد رهایی و آزادی را سر می‌دهد. شاعر با بهره‌گیری از این داستان، آن را دست‌مایه‌ای می‌سازد تا کینه و نفرت خود را از کشتار بی‌رحمانه انسان‌های بی‌گناه نشان دهد. گرمارودی که خود تراژدی انسان معاصر را لمس کرده است و از آنجایی که دیده بود چگونه عده‌ای مستبد با وعده‌های دروغین، زندگی انسان‌های بیچاره را هر طور که خود می‌خواهند می‌چرخانند، با شعرای دیگر سرزمین‌ها، هم‌صدا می‌شود و فریاد آزادی سر می‌دهد.

۲-۳. دعوت به مبارزه

از درون مایه‌های مهم شعر چریکی، دعوت به مبارزه است. موسوی گرمارودی در اغلب دفترهای شعری خود از مضامین مرتبط با مبارزه‌طلبی و میهن‌خواهی به شکل گسترده استفاده کرده است که در آنها موضع‌گیری سیاسی‌اش را نیز نشان می‌دهد. زمانی که از درد شخصی خویش سخن می‌گوید، احساسی را بیان می‌کند که از درون دل مردم می‌جوشد و حرف دل مردم است. مخاطب شاعر، فقط مردم سرزمین خویش نیست؛ بلکه مردم ستمدیده‌ای است که در هر جای از جهان هستند. گرمارودی در اغلب اشعار خود، مردم را به مبارزه علیه دشمن و میهن‌دوستی و مردم‌دوستی دعوت می‌کند: «های و ها مردم! / تبه شد عمرهاتان، های / خود نمی‌دانید آیا هیچ؟ / زین گران بیهوشی بسیار / برخیزید!» (گرمارودی، ۱۳۵۷: ۲۸۰).

«برخیز که عاشقانه فریاد کنیم / هر جا که غمی بود به دل، شاد کنیم / هر جا که خراب کرده پای ستمی / با مهر به دست خویش یاد کنیم» (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۵۲۳).
تحریر به مبارزه از شاخص‌های اصلی در شعر چریکی است؛ مثلاً آنگاه که گروه‌هایی از مردم، منافع خود را در دور بودن از صحنه‌های مهیج جنگ می‌بینند، وظیفه شاعر است که آن‌ها را با ضربه محکم طعنه‌آمیز از خواب بیدار کند.
«دشمن اکنون کنار خانه ماست / نادرست است خویشتن‌داری / جنگ با او وظیفه من و توس / وز حریم حرم نگهداری / سرچشمه توان گرفت به بیل / پر شود کی توان گذشت به پیل ... / تو سرِ همراهی ما داری؟» (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

گویی بار ظلم و ستم بر دوش دو شاعر سنگینی می‌کند و در این اشعار با یک روحیه ظلم‌ستیزی مردم جامعه را هم به مبارزه دعوت می‌کنند و پا به عقب نمی‌گذارند. شاعر جوانان و نوجوانان را مانند شیری می‌داند که باید غرش کنند تا تن دشمن به لرزه بیفتد و نگذارند که اجنبی‌ها به هدفشان برسند تا خود کشورشان را به دست گیرند. موسوی گرمارودی هم‌وطنان را به وحدت و یکپارچگی دعوت می‌کند و در اشعارش به این نکته اشاره دارد که باهم بودن و متحد شدن بسیار حیاتی است.

۳-۳. توصیف دشمن

معرفی چهره واقعی دشمن، استراتژی، بررسی اصول و مبانی مبارزه با دشمن از جمله موضوعاتی است که در شعر چریکی نمود پیدا می‌کند. انسان‌هایی که خواستار زیان و رسیدن شر به دیگران هستند و قصد آسیب‌رسانی همیشه مدنظرشان است، دشمن خوانده می‌شوند. دشمن در اصطلاح کسی است که بدخواه دیگری است و داشتن روحیه عداوت و خصومت ویژگی اصلی اوست و رساندن ضرر و آسیب هدف اصلی‌اش. در شعر گرامرودی دشمن / خصم همپای اهریمن و از نسل قایل است که علاوه بر بد ذاتی، جبون، زبون و بی‌آبرویی از خصوصیات اوست که از پشت خنجر می‌زند و دیده بصیرت ندارد.

«با که باید گفت باری، کز میان خصم ما/ دیو یا اهریمن است اما به هیئت چون بشر/ چون تو می‌خفتی کجا موشک تو را می‌کشت شب/ کی به چشم هیچ مردی بود نامردی هنر/ (موسوی گرامرودی، ۱۳۸۹: ۹۲) خصمی زبون، خصمی جان خصمی فراری/ کفری مجسم عمق نا پرهیزگاری (موسوی گرامرودی، ۱۳۸۹: ۳۷) «دشمن گریزان بود و شهر ما بیازرد / بی‌آبرویی، آبروی خویشتن برد» (گرامرودی، ۱۳۸۸: ۲۲). «ما از تبار پاک هایل زمانیم / امروز می‌جنگیم تا فردا بمانیم / امروز شمشیر پیمبر در کف ماست / پیکار ما با مشرکان با بولهب هاست / زنجیره تاریخی این جنگ دور است / بیچاره دشمن کی تواند دید کور است» (گرامرودی، ۱۳۸۸: ۲۳).

۳-۴. استفاده از لحن حماسی برای تحریض به مبارزه

لحن حماسی اغلب در شعر چریکی از گسترده‌ترین ویژگی‌هاست. در لحن حماسی معمولاً دفاع از اقلیم، آب و خاک و وطن همیشه اهمیت داشته است و این لحن از عوامل تحریض و تحریک به حساب می‌آید و به همین دلیل لحن حماسی در این نوع شعر بسامد زیادی دارد. روح حماسی شعر موسوی گرامرودی به او کمک می‌کند تا مفهومش را به مخاطب بهتر برساند و در دعوت به مبارزه موفق‌تر عمل کند.

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... ————— ۱۳۹

«دست می افشانم برمی خیزم/ می گریزم/ می خیزم/ اوج می گیرم/ موج می شوم/ سلام بر طوفان!/ درود بر گردباد!/ و جمله هماره هرچه بادا باد!/ خورشید در گریبانم رخنه می کند/ و اشک نیلی می شود/ که هزار فرعون را به کام رد می کشد!» (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

در حقیقت باید گفت آنچه در بیان میهن خواهی به کمک شاعر می آید، لحن حماسی و انتخاب واژگانی است که بر اساس تغییر نوع نگاه به مسائل اجتماعی در شعر آن ها نسبت به شاعران جریان های قبل وجود دارد. اینجاست که شاعر مصلحت گرایی را کنار می گذارد و با دید مسلحانه وارد صحنه می شود. موسوی گرمارودی با آوردن نام اسطوره های حماسی شاهنامه، مبارزان را به مانند رستم می داند که بدون ترس به میدان های جنگ می روند و از آن پیروزمندانه برمی گردند.

«پورسام نریمان/ و همراهان اکنون درون ایرانشهر/ دوباره زنده شدند/ جنگ دیو سپید/ فسانه آسودند/ به رزم اهرمن این زمانه آمده اند/ و نام هریکتان چنان چو آینه/ تابنده ماند جاویدان/ که صبح طالع امید را در آن نگریم» (گرمارودی، ۱۳۵۹: ۲۸).

علی رغم اینکه شاعر در مسیر تحقق اهدافش به زندان می افتد و دستگیر می شود، ولی امیدش را از دست نمی دهد و درعین حال نیز در اشعارش سعی می کند امید را به مردم القا کند و روحیه شکست دادن دشمن را با لحنی حماسی در آن ها تقویت کند. شاعر با این ذهنیت که ظالمان از نسل فرزند نوح (ع) هستند که درنهایت هلاک می شوند، شعر خود را حماسی تر می کند و بیان می کند که تنها خنجر بین ما و دشمنان قضاوت می کند:

«میان هابیل و برادر الفتی ست فراسوی برادری/ که تنها خنجر/ حد آن را معین می کند» (همان: ۲۱۶).

موسوی گرمارودی به مردان مبارز وطنش می بالد و آن ها را اسطوره های تاریخی می نامد. او معتقد است این انسان های والا به دشمنان می فهمانند که ملت ما با وجود شکنجه ها، در برابر ظلم و ستم فروز نمی آیند. موسوی گرمارودی با این ذهنیت که

ظالمان از نسل فرزند نوح (ع) هستند و درنهایت هلاک می‌شوند این اشخاص را این‌گونه توصیف می‌کند:

«کاش فرزند نوح در کشتی / جایی می‌داشت / تا من امروز این قدر با بدان نمی‌نشستم» (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

۵-۳. فدا شدن در راه میهن

فرهنگ ایثار و فداکاری، به‌عنوان فرهنگی متعالی در زمره‌ی مفاهیم عالی برای شعر چریکی است و نتیجه از ارزش‌های والایی است که انسان مبارز متعهد می‌تواند به آن مقام دست یابد. مفاهیم مرتبط با فداکاری و ایثار اثرگذار و حرکت‌آفرین‌اند و قادرند فضای شعر و ذهنیت مخاطب را به‌صورت گسترده تحت تأثیر قرار دهند.

«در راستای ظلمت این شام دیرپای / ای طور می‌زنم «ارنی» در لقای تو / چون دامن بنفشه سیه باد جامه‌ام / آه ای وطن ز سوگ به خون خفته‌های تو / جان را فدای خاک عزیز وطن کنم / گلگون ز خون خویش به راهش کفن کنم» (گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۱).
«من میهنم ایران‌زمین را دوست دارم / این سرزمین علم و دین را دوست دارم / اینجا که خاکش از شهیدان لاله‌گون است / تاریخش از نقش ستم، هم‌رنگ خون است / اینجا ستم مهم علم و ایثار و دلیری / این سرزمین عشق را آسان‌گیری» (گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۹۷).

موسوی گرمارودی گلوله‌ای که سینه دوست شهیدش را شکافته چون مدالی بر سینه او می‌داند که باعث افتخار و سربلندی او شده است.

«گاهی در اندیشه چون خدا / گاهی درون سینه چون گل مدال / زخم گلوله بر سینه شهادت سهراب» (گرمارودی، ۱۳۶۳: ۸۲).

«خوشا روزی / که سرخ بمیرم / و سبز برآیم / چون ریواس» (موسوی گرمارودی، ۱۳۵۳: ۶۹).

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... ————— ۱۴۱

در این تصویرسازی، کاربرد واژه ریواس در کنار مفهوم زنده شدن، از عبارت کنایی سبزرآمدن فهمیده می‌شود و بیان‌کننده این مسئله است که شهادت، حیات واقعی را به دنبال خود می‌آورد.

«خوشا روزی که سرخ بمیرم/ و سبز برآیم/ چون ریواس/ و چون رنگین کمان»
(گرمارودی، ۱۳۸۹: ۹۹).

۳-۶. واژه‌های مرتبط با میدان مبارزه و جنگ

از بن‌مایه‌های مهم شعر خشن و انقلابی چریکی، استفاده از واژه‌های مرتبط با جنگ است. واژه‌های چون سلاح، اسلحه، تفنگ، شمشیر، خون، زندان، مقاومت، اعتراض و...، گرمارودی در تمام دفترهای شعری خود از واژه‌هایی چون سلاح، تفنگ، شمشیر و وطن استفاده کرده است.

۱-۳-۶. اسلحه / تفنگ

واژه‌هایی مانند اسلحه، تفنگ، خنجر و واژه‌های مرتبط با سلاح‌های جنگی به کرات در اشعار موسوی گرمارودی تکرار شده است.

«در چشم‌هایش بیداری/ در دست او سلاح/ حی علی الفلاح/ پیشانی‌اش نماز شرف»
(گرمارودی، ۱۳۶۳: ۵۲).

«زمان سیری‌ناپذیر است/ بین شهادت و شقاوت/ فاصله/ به درازای تفنگی است/ تا در کدام سمت ایستاده باشی!» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۲۳).

۲-۳-۶. خون

عنصر خون استفاده‌شده در اشعار گرمارودی از عناصر اعتقادی و باورهای ملی و فضای اجتماعی تأثیرپذیرفته است. از آنجاکه مفهوم واژه «خون» برای یک مبارز ارزش و کرامت خاصی دارد، شاعران این حوزه ادبی، نیز از این عنصر ایمانی برای بیان عزت، شرف و افتخار مبارز بهره‌ها برده‌اند.

«اینجا که خاکش از شهیدان لاله‌گون است / تاریخش از نقش ستم همرنگ خون است» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۲۱).

«نه چراغی است فروزان شب تار / ماه از روزنه تاییده درون / دور این دشت کران
ناپیدا / همه آمیخته خون با مهتاب / خفته بر دشت سر و پیکرها» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۸۰).

۳-۶-۳. وطن

یکی از زمینه‌های تفکر در شعر چریکی، وطن‌دوستی و میهن‌پرستی است. سرزمین
برای شاعر همه‌چیز است، محمل خاطرات کودکی، محل عشق‌ورزی‌های جوانی و
آرامگاه سال‌های کهن‌سالی و سالخوردگی.

«در راستای ظلمت این شام دیرپای / ای طور می‌زنم «ارنی» در لقای تو
چون دامن بنفشه سیه باد جامه‌ام / آه ای وطن ز سوگ به خون خفته‌های تو»
(گرمارودی، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

۳-۶-۴. مرثیه

مرثیه در لغت به معنای گریستن بر مرده و ذکر محامد وی و نوحه‌سرایی و تأسف از
درگذشت او است. مرثیه، ساختن شعری در رثای کسی است که جهان را بدرود گفته
است. بی‌گمان از موضوعات مهم ادبیات چریکی، بیان سوگ‌نامه قهرمانان عرصه جنگ
و توصیف بی‌رحمی دشمنان است. بی‌شک هر جنگ و به تبع آن مقاومت، دو عامل
زیان‌های مالی و جانی را به همراه دارد. بازتاب این دو شاخصه در ادبیات چریکی
همواره مورد توجه بوده است؛ همان‌گونه که گرمارودی نیز این موضوع را در اغلب
دفترهای شعری خود لحاظ کرده است.

«چنین باد تا روزگاران دور / که از نامتان زاید امید و شور / دل و سینه از سوگتان
سوخت سخت / که رفتید و ماندیم تاریک‌بخت» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۱) «بهار آمد
کجا رفتند یاران / سیه بادی سیه بهاران / خزان بادی که بی‌یاران خزانی / سیه بادی
که در غم شادمانی» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۲).

بخش مهمی از این نوع اشعار که با عنوان سوگ‌سرایی سروده می‌شود، برای همان
تفنگ‌به‌دستانی است که در دفاع از وطن در خون خود می‌غلطند و به قدیس تبدیل

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۴۳
می‌شوند، اختصاص دارد. گرامی‌داشت یاد قهرمان سنت رایجی است و بازخورد مرگ
قهرمانان در ادبیات به صورت سوگ‌نامه‌ها و سوگواره‌های شهیدان تجلی می‌یابد.

۵-۶-۳. تهدید و هشدار

شعر چریکی درخصوص موضوع تهدید به انتقام، در مقوله آفرینش‌های ادبی بسیار
توجه نموده است. شعری که از فراموش کردن برحذر می‌دارد و پنهان کردن عمقِ فاجعه
را محکوم می‌کند و بیان می‌کند که انتقام‌گیری از دشمنان حتمی است:
«اگر از تو در دل به جز داغ نیست / واگرمانده یک گل درانی باغ نیست / رسد روز
خون تو را ریختن / رسد روز بردارت آویختن» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۱).

«از این بیشه مرگ شیران شیر / به ناگه برآیند سهم و دلیر» (گرمارودی، ۱۳۸۸: ۱۱).

۷-۳. نمود گفتمان ایدئولوژیک

زبان در سطوح متفاوت، حامل ایدئولوژی است؛ هم به ایدئولوژی شکل می‌دهد و
هم از آن شکل می‌پذیرد. ایدئولوژی نه تنها «چه گفتن» ما را تحت کنترل خود دارد،
بلکه «چگونه گفتن» را نیز سازمان‌دهی می‌کند. در هر دوره و هر گروه اجتماعی،
ایدئولوژی سیاهه‌ای خاص از شکل‌های سخن دارد. در یک کلام، زبان صورت مادی
و تجسم‌یافته محتوای ایدئولوژی‌ها و آغشته به آن‌هاست. درون‌مایه‌های ایدئولوژیک
از موضوع‌های دیرینه‌ی ادبیات چریکی و ادبیات مقاومت است که در تمامی ادوار شعر
فارسی از سوی غالب شاعران مسلمان، به‌ویژه شاعران شیعی، موردقبال قرار گرفته است.
سید علی موسوی گرمارودی نیز همچون دیگر شاعران مذهبی، به انعکاس درون‌مایه‌های
ایدئولوژیک در راستای مبارزه علیه باطل دست زده است. گرمارودی متأثر از فرهنگ
دینی و به علت تعلقات طبقاتی و قشری و تأثیر نهاد خانواده بر ذهن و زبان او،
درون‌مایه‌های ایدئولوژیکی را انعکاس داده است. در این راستا، موسوی گرمارودی
زمانی که می‌خواهد در اشعارش مردم را به مبارزه دعوت کند از شیعه بودنش حرف
می‌زند و تمام افتخارش را در شیعه بودنش بیان می‌کند و دفاع و حراست از ایدئولوژی
خود را وظیفه خودش می‌داند:

«سجاق را زیر غبغب محکم تر کن، خواهرم! آنچه چادرت را/ کفن سیا می‌نامید/ شاید فقط در رنگ اشتباه می‌کرد/ کفن سیاه تو امروز گلگون است/ بر او ببخش خواهرم روشن فکر است» (گرمارودی، ۱۳۵۸: ۴۳).

جهانبینی خاصی که در شعر مشاهده می‌شود، حاصل نوعی ایدئولوژی است. درحقیقت، مجموعه بایدها و نبایدها و هر آنچه در سایه این بایدها و نبایدها تعریف شود با ایدئولوژی ارتباط دارد.

«سلاح ما عشق/ و داورمان شمشیر/ و یاورمان/ باورمان خواهد بود» (موسوی گرمارودی ۱۳۸۷: ۵۳).

تفاوتی که شعرها را در منش و روش، از یکدیگر جدا می‌کند، جنس ایدئولوژی‌هاست و آنچه جنس ایدئولوژی‌ها را تعیین می‌کند، جهان آرمانی شاعر است. این جهان آرمانی در قالب انگاره‌هایی سر از دنیای واژگان مختلف درمی‌آورد؛ گاه پوشیده، پنهان، به رمز و اشارت و گاه آشکار و بی‌پرده.

۸-۳. عناصر چریکی در اشعار سیاوش کسرایی

سیاوش کسرایی از محبوب‌ترین نوپردازان قدمایی جامعه در دهه سی و چهل بود و از زمینه‌سازان شعر چریکی در پایان دهه چهل و پنجاه شد (لنگرودی: ۷۵). کسرایی به‌عنوان شاعری متعهد، هرگز قادر به نادیده گرفتن شرایط اجتماعی استبدادزده و خفقان‌آوری که در آن می‌زیست، نبود. او به‌مثابه یک شاعر، همواره تلاش می‌کرد زمینه‌ساز تحول و تأثیر عظیم در میان روشنفکران و مردمان کوچه و بازار شود؛ از همین رو سعی می‌کرد با استفاده از اسطوره‌های کهن ایران‌زمین، تاریخ پرفراز و فرود سیاسی ایران معاصر را تبیین کند و توضیح دهد؛ بنابراین کسرایی ازجمله شاخص‌ترین نمایندگان شعر نو و آرمان‌گرا، سیاسی و انقلابی طی دهه‌های سی، چهل و پنجاه خورشیدی بود. دهه‌هایی مملو از خشونت عریان و هرج و مرج‌های سیاسی و اجتماعی. او پس از سرایش مجموعه آوا (۱۳۳۶) در عرصه شعر سیاسی به شهرتی نسبی دست یافت. در سال (۱۳۳۸) منظومه حماسی آرش کمانگیر را به چاپ رساند که باعث شهرت

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۴۵
و محبوبیت مضاعف شاعر شد (روزبه، ۱۳۹۱: ۱۷۹)؛ از سویی دیگر، مجموعه شعر به
سرخ‌ی آتش به طعم دود بخشی از شعرهای غیرقابل چاپ سال‌های (۱۳۴۹-۱۳۵۴) از
سیاوش کسرائی، سند هنری تازه‌ای برای محکومیت دژخیمان تاج بر سر بود.

۱-۸-۳. روایت رنج مردم و دعوت به مبارزه

کسرائی به‌عنوان شاعری متعهد، هرگز قادر به نادیده گرفتن شرایط اجتماعی
استبدادزده و خفقان‌آوری که در آن می‌زیست، نبود. او به‌مثابه شاعر، همواره تلاش
می‌کرد زمینه‌ساز تحول و تأثیر عظیم در میان روشنفکران و مردمان کوچه و بازار گردد.
کسرائی که خود را از طبقه رنج‌دیده و رنج‌کشیده می‌داند، در سراسر اشعارش، توده را
به دریا شدن و متحد شدن در برابر استبداد فرامی‌خواند.

«ای جوی بیا به هم، هم آوا گردیم/ با چشمه و شط ورود یکجا گردیم/ پیوند کنیم
روشنی با پاکی باشد/ روزی دوباره دریا گردیم» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۲۳۳) «آئینه را بیفکن
تا رو به هم کنیم/ باشد به دست خویش، مداوای هم کنیم/ و آن دست را که آئینه دار
ملال توست/ زان پیش‌تر که مشت برآرد، قلم کنیم» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

کسرائی رنج و محنتی را که طبقه کارگر متحمل می‌شود به‌وضوح می‌بیند و آن را
در اشعارش منعکس می‌کند و بر همین اساس کارگران را که نماینده مردمان رنج‌دیده
و فقیر هستند، به میدان مبارزه می‌کشانند.

«ای بر ستیغ سحر ره سپر بیا/ ای بر سپاه رنجبران راهبر بیا/ سهراب می‌کشند/ در بزم
باده، خون سیاوش می‌خورند/ غم غم، ستم ستم/ ای رستم نیامده در نامه، شکل گیر/
مگذار تا بخوانمت، ای کارگر بیا» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۳۳۳) «ای دست‌های کار/ ای
دست‌های رنج/ تا کی به دست‌های پر از انتظار خویش/ غم بوته می‌نهد» (کسرائی،
۱۳۹۱: ۴۳۶).

کسرائی در خصوص حادثه کشتار میدان ژاله نیز ضمن توصیف این واقعه مردم را
به قیام دعوت می‌کند.

«ژاله بر سنگ افتاد/ ژاله چون شد/ ژاله خون شد/ خون چه شد؟ خون چه شد؟/ خون جنون شد/ ژاله خون کن/ خون جنون کن/ سلطنت زین جنون، واژگون کن/ دست در کن/ شو خطر کن. خانه ظلم زیر وزیر کن» (کسرای، ۱۳۹۱: ۶۱۶).

در این راستا شاعر با استمداد از اسطوره کاوه، چشم انتظار قیام و دادخواهی است. «ای پیر کاوه آهنگر/ بسیار کوره بادم گرم گداختی/ تفتی چه میله‌های آهن و شمشیر ساختی/ فرزند می‌کشند، یکایک تو را بین/ اینک شهید هیجده هزارم که دادسر/ صبر هزار ساله‌ات آخر نشد تمام/ چرمینه کی علم کنی‌ای پیر، ای پدر؟!» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۶۳).

و به این ترتیب او پرداختن به رنج توده و لزوم مبارزه را همواره در تمام دفترهای شعری خود در اولویت قرار می‌دهد. او به شاعران دیگر نیز توصیه می‌کند دست از غزل‌سرایی بردارند و شعر جنگ، خشونت و مبارزه را که دعوت‌کننده به سوی رهایی باشد بسرایند.

«می‌شنوی شاعر! بنویس، بنویس،/ اینک شعری گستاخ،/ شعری مهاجم،/ شعری دگرگون‌کننده،/ شعری چون رستاخیز» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

«غوغا، غریو، جیغ،/ راحت نمی‌نشینم/ فریاد می‌کنم/ یاری کنیدم، ای همه قوم سیاه‌پوش!» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

«در کوچه همچنان/ جنگ عبور از زره واقعیت است/ عاشقان تیز تک ترس ناشناس/ بنهاد کوله‌بار تن جست می‌زنند/ پرواز می‌کنند/ آری این شبروان، ستاره روزند/ که مردهایشان در این ظالم روزنی به رهایی است» (کسرای، ۱۳۹۱: ۲۱۶).

این شعر را می‌توان نمود شاعرانه رویکرد نهایی به امور سیاسی و اجتماعی زمان خود پس از تجربه یک دوره پیکار و انقلاب دانست. در مهره سرخ شاعر با ترکیب‌ها و تصویرهای زیبای درخور مقاومت و اعتراض، تابلویی بدیع می‌کشد (انزایی نژاد، ۱۳۸۰: ۲۹). در نمونه زیر شاعر بیان می‌کند که عنصر مبارزه از زمان‌های بسیار قدیم و از

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... ————— ۱۴۷
گذشته‌های دور در وجود او و ایرانیان نهادینه شده است؛ زیرا ایرانی هرگز زیر بار
استبداد سر خم نمی‌کند.

«دیری است تا که من / در راه راستی / وین سرزمین که زیست گه مردمان ماست /
شمشیر می‌زنم / تنها نه این منم که چنین می‌کنم / پدر می‌کرده این چنین و هم این رسم
از نیاست / برداشته بخت خصم که آهنگ ما کند» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۲۵).

از نظر شاعر، تنها راه رهایی ملت ایرانی، اتحاد توده‌های مردم و حمایت از قهرمانانی
است که برای حفظ کیان ایران، جان‌فشانی می‌کنند. حتی با وجود اینکه هم‌قطاران آرش
دل‌تنگ و دل‌آزرده به گوشه‌ای خزیده‌اند، چنان مسخ‌شدگانی شده‌اند که ترجیح
می‌دهند فقط غمگین باشند و تأسف بخورند و برخلاف روحیه آزادگی ایرانی،
آسودگی در خفت و خواری را برمی‌گزینند:

«هیچ سینه کینه‌ای در بر نمی‌اندوخت / هیچ دل مهری نمی‌ورزید / هیچ کس دستی
به‌سوی کس نمی‌آورد / هیچ کس در روی دیگر کس نمی‌خندید» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۶۷)
«ز پیشم مرگ / نقابی سهمگین بر چهره می‌آید / به هر دام هراس افکن / مرا با دی دیده
خون‌بار می‌آید / به بال کرکسان در دسرم پرواز می‌گیرد / به راهم می‌نشیند، راه می‌بندد / به
رویم سرد می‌خندد / به کوه و دره می‌ریزد طنین زهر خنده‌اش را / و بازش باز می‌گیرد»
(کسرائی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

۲-۸-۳. آگاهی بخشی و امید به آینده

کسرای شاعری است که هم در زندگی خود و هم در زندگی شعری‌اش با ستیز
زیسته است و آنچه در جامعه پرتنش و پرتضادِ زمان خود دیده است، در قالب شعر بیان
کرده است. کسرای در هر فرصتی برای آگاهی‌بخشی به توده‌ها استفاده می‌کند. او با
استفاده از زبان استعاری دشمن ملت را به آن‌ها می‌شناساند.

«عدوی راستین ما / همان یگانه غول سود ورز / در کمین توده‌هاست» (کسرائی،

۱۳۹۱: ۶۳۲).

«در خانه باش/در کوچه/در سبزه میدان و آن سوی پل/در مزرعه و یکشنبه بازار/در اعتصاب و عزای عاشورا/میان توده باش و در خلوت خویش/و به هر جای/آن گویای گزنده باش که دشمنت نیستند/و آنگاه تصویر نامیرای تصورات را/زیاد کن/زیاده کن/چندان که حضور غالب از آن تو باشد» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

کسرائی درنگ را برای توده‌ها جایز نمی‌داند و با تمام توان زبانی و شعری آن‌ها را ترغیب به مبارزه می‌نماید:

«گاه جنگ است/وقت تنگ است/پرچم انقلابت به چنگ است/دم، دم آخرین است و بشتاب/لحظه آفرین است و بشتاب/هر درنگی در ین لحظه ننگ است» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۵۱۹).

کسرائی از جمله نمایندگان شاخص شعر نو و آرمان‌گرا، سیاسی و انقلابی طی دهه‌های سی، چهل و پنجاه خورشیدی بود. دهه‌هایی مملو از خشونت عریان و هرج و مرج‌های سیاسی و اجتماعی. بسیاری از منتقدین امروز، چون شفیع کدکنی معتقدند که برخلاف بسیاری از شاعرانی که دچار یأس شده بودند، کسرائی، شاعری با خوش‌بینی و شور و برخلاف دیگران در انتظار تحول یا انقلابی بوده است. کسرائی در اغلب اشعارش به‌ویژه در دفتر شعری *آرش کمانگیر*، همیشه امیدوار است به سپیده‌دم، آینده، روز و روشنایی. او خود را شاعری امیدوار می‌داند که در یلدا بشارت سحر می‌دهد. امید در شعر کسرائی تنها از احساس او ناشی نمی‌شود؛ بلکه با اندیشه و تفکر او نیز ارتباط دارد.

«از رودکی تا نیما/همه شب بود و به شب، سخن جز به غم نمی‌رفت/و اینک من/خاتم شاعران پیش‌میر/آخرین شمع به صبح رسیده این شب یلدا/شادی و سحر را/بشارت می‌آور» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۶۴۶) «پاییز قلب‌هاست/اما دلم به حوصله مندی در این هوا/پروردن بهار دگر ساز می‌کند» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۳۱۳) «کشتگان سحر را نمی‌بینند/اما صبح حتمی الوقوع است» (کسرائی، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۴۹

کسرای امید به آینده را ترویج می‌کند. کار او از یک طرف، امید دادن به مردم است و از طرف دیگر هشدار دادن به صاحبان زور و زر و تزویر. فردی که می‌اندیشد، از یک جهت رمانتیک است و ایدئال فکر می‌کند و از سوی دیگر واقع‌گراست؛ زیرا از بدی‌ها و شرارت‌ها غافل نیست. همچنین از تحلیل عمقی وقایع و حالت انسانی نیز ناتوان نیست. درواقع چنین شخصی خوش‌بین و امیدوار است.

«ای سرود چشمه‌سار/ای نوای جاری و نهفته در عروق سرزمین من/ای خروش انفجار/هرکدام گوشه، هرکدام سنگ عاقبت/می‌دهی شکاف/با کدام نغمه چنگ خویش سازی کنی» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۲۴) «هرگام/از هر گوشه شهر/بر راهی واحد می‌دوید/پاها فرشی تازه می‌بافت/قالی تاریخ/آینده/دست در دست پدر/یا بر سینه مادر/ همراه می‌آمد» (کسرای، ۱۳۹۱: ۳۴۳).

۳-۸-۳. مبارزه با امپریالیسم

در اندیشه سیاسی کسرای، تلاش برای مبارزه با سرمایه‌داری، بسیار مهم است و توده را برای براندازی استبداد و سرمایه‌داری ترغیب می‌کند. او هرگونه وابستگی به امپریالیسم را نفی می‌کند. کسرای ساخت نظام سرمایه‌داری را می‌شناخت و بر این امر واقف بود که نظام سرمایه‌داری در وضعیت هژمونی قرار دارد. نظام سرمایه‌داری، دولت‌های جهان سوم را در وضعیت اغوا قرار می‌دهد و این اغوا مبتنی بر این است که یک دریافت و آموزه کاذب ایجاد می‌کند.

«هم‌وطن، هم‌وطن، تهمتن باش/دست در دست/پای در راه/قلب در مشت/جمله هم‌سنگر و یار و هم‌پشت/خیل سرمایه را می‌رمانیم/توده را، توده را می‌رمانیم» (کسرای، ۱۳۹۱: ۵۱۱).

«روی برگ و گل خون می‌خوانیم/در کنار تو و با توست که می‌رانیم/سخن از آزادی/هم به آیین تو می‌گوییم/غول استعماری/غول استبدادی» (کسرای، ۱۳۹۱: ۳۱۴).

کسرای جاسوسی آمریکا را قلعه شیطان، نیرنگستان، ننگ خانه شیطان می‌نامد و آمریکا را به‌عنوان پرچم‌دار امپریالیسم، باشگاه فرومایگان و بازار بردگی معرفی می‌کند.

«باشگاه فرومایگانی و فرودگاه خشم جهانیان/بازار بزرگ بردگی/در جنگل عظیم صنعت/پردرختان سترگ/فاله میوه‌های آدمی آویخته است/سیاه و زرد/سفید و سرخ/از کشتزارهای علمت چه می‌روید؟/قارچ اتمی/نگاه کن ستارگانت/یکایک از پرچم تو می‌گریزند/و در دست تنها/پارچه‌ای می‌ماند/بل قاب‌دستمالی/برای برق افکندن به کفش کهنه سرمایه» (کسرای، ۱۳۹۱: ۳۵۳).

کسرای در حمایت از کارگران انگلستان و در مبارزه با سرمایه‌داری مارگارت تاچر را پتیاره‌ای می‌داند که با اتحاد کارگران نابود شدنی است

«معدن کاوان شجاع/تنها نیستید/نه در وطن خود و نه در میهن من/بگذار تاچر بانوی حلبی/خود را آهنین بنامد/اما گرمای اتحاد شما او را ذوب خواهد کرد/بگذار آن پتیاره تاچر/دیگر بنادرش را نیز در وال‌استریت به حراج بگذارد/ما، اما از فراز اقیانوس‌ها/انگشتانمان را در هم می‌فشریم/و بانگ برمی‌داریم/رنجبران جهان متحد شوید/راکه دیگر امپریالیسم جایی در این مکان ندارد» (کسرای، ۱۳۹۱: ۵۱۳).

۹-۳. نمود ایدئولوژی و آرمان‌گرایی

آرمان‌گرایی یا ایدئالیسم اخلاقی به معنی ستایش یا دنبال کردن اصول یا اهداف متعالی یا حقیقی و به تعبیر دیگر، پیگیری مصرانه «آرمان» یا «ایدئال» است. به تعبیر دیگر، آرمان‌گرایی، پیگیری مصرانه اهدافی است که برای آن می‌جنگیم و آن‌ها را در خود می‌بینیم. کسرای در اغلب دفترهای شعری خود، چارچوب تفکر و اهداف ایدئولوژیک خود اندیشیده و از شعر به عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ مرامی و آرمانی بهره جسته است.

«غصه نان امانم بریده است/و تو تکرار کنان/آه از عشق هم آخر سخنی باید گفت/چه بگویم از عشق خانگی/چه بگویم» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۱۴). «من نبض خلق را/از راه گوش می‌شنوم آری/همواره من تنفس دریای زنده را/تشخیص می‌دهم از هر بلور که جان می‌دهد به خلق/نان و گل و سلامت و آزادی» (کسرای، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۵۱
کسرای در مورد پناهگاه خود و همفکرانش نیز شعری سروده است که حکایت از
علاقه شدید او به همفکرانش دارد.

«خانه خیابان شانزده آذر/کندوی آدمیت/نشانه رستگاری/ستاد کار/طرفه
پناهگاهی/با درگشادگی مسجد و نظم ارتش/زرادخانه اندیشه /اینجا /ترکش تاریخ
است و آزمایشگاه آرزو/سنگر محنت کشان/پایگاه پویندگان آزادی» (کسرای، ۱۳۹۱:
۳۶۳-۳۶۱).

۱-۹-۳. اندیشه آزادی

اندیشه آزادی که از اوایل مکتب رمانتسم موردنظر شاعران بود، بعدها حوزه
گسترده‌ای پیدا کرد و شاعران با ورود به مسائل اجتماعی جامعه خود، تنها در فکر آزادی
واژگان خود از قید و بند سنت کلاسیک نبودند، بلکه آزادی را به معنای واقعی کلمه
در تمام عرصه‌های زندگی خود و مردم خواستار بودند. هرگاه قهر و ظلم سیاسی اوج
گیرد و آزادی مردم در هر زمینه‌ای سلب گردد و شاعران به شیوه‌ها و راه‌های متفاوتی
متمسک می‌شوند تا از طریق آن به گونه‌ای غیرمستقیم پرده از افکار و اندیشه‌هایشان
بردارند. افرادی وجود دارند که به مردم ظلم می‌کنند و آن‌ها را مورد اذیت و آزار قرار
می‌دهند. آزادی بزرگ‌ترین سرمایه انسان برای زندگی شرافتمندانه است؛ طوری که
عزت نفس و شرافت انسانی انسان‌ها حفظ و رعایت شود. سلب آزادی مردم از جانب
حاکمان مستبد یا از جانب بیگانگان صورت می‌گیرد. این امر سبب ترس و وحشت مردم
می‌شود. کسرای در سرود آزادی، نخستین سرودی که پس از انقلاب اسلامی از
رسانه‌ها پخش شد، به آزادی اشاره می‌کند و در شعر دیگری با عنوان «قصیده دراز راه
رنج تا رستاخیز» با به کار گرفتن واژه‌های سرخ، توده، خلق و تبر، اعلام می‌دارد که به
مرام و هر آیینی که به آزادی باور دارد، علاقه‌مند است.

«با تو آمدم بدان مهلک/که معبر ملت است/نه به دین تو/که به آیین تو/از سر
صداقت به شهادت» (کسرای، مجموعه اشعار، ۱۳۹۱: ۳۲).

۲-۹-۳. لطافت و کودکانگی

برخی از اشعار کسرایبی ما را به یاد لطافت و کودکانگی با نگاه سهراب سپهری می‌اندازد. با این تفاوت که او مانند سهراب اطناب ندارد.

«دست‌های ما / شاخه‌های کشیده در پناه هم / لانه‌ی پرنده‌ای است / دست‌های ما / در مسیر بازوان بی‌قرار ما / جویبار زنده‌ای است.» (کسرایبی، مجموعه اشعار).

۴- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد ابیات و قطعات شعری گرمارودی، با ساختاری حماسی و محتوایی بر پایه عناصری مانند دعوت به مبارزه، توصیف دشمن، استفاده از لحن حماسی، فدا شدن در راه میهن، کاربرد واژه‌های مرتبط با میدان مبارزه و جنگ، وطن‌دوستی و نمود گفتمان ایدئولوژیک گویای بازتاب اندیشه سیاسی وی در پرتو کاربرد هم‌زمان انواع نمادها و استعاره‌ها در دعوت مردم به مبارزه و ستیز با ظالم است. جهان‌بینی چریکی گرمارودی از نظر مقاومت و مبارزه‌طلبی علیه دشمن فقط محدود به کشور خویش نیست؛ بلکه در او در هرجایی که جنگ و قتل و کشتار باشد با مردمان آنجا همدردی می‌کند و با نوعی نگاه چریکی و مبارزه‌جویانه آنان را علیه دشمن تهییج می‌کند و اشعارش حکم اعلامیه‌های ضد رژیم سلطنتی را دارد. گرمارودی با لحن شعاری و شورانگیز احساسات خود و سایر مبارزان مبنی بر عشق به وطن را در قالب شعر به تصویر می‌کشد و به معرفی چهره واقعی دشمن و مبانی مبارزه با دشمن می‌پردازد. لحن حماسی گرمارودی در اشعار چریکی اغلب در خدمت دفاع از اقلیم، آب‌و‌خاک و وطن است و این لحن از عوامل تحریض و تحریک به حساب می‌آید؛ به همین دلیل لحن حماسی در این نوع شعر بسامد زیادی دارد. موسوی گرمارودی با آوردن نام اسطوره‌های حماسی شاهنامه، مبارزان را به مانند رستم می‌داند که بدون ترس به میدان‌های جنگ می‌روند و از آن پیروزمندانه برمی‌گردند. همچنین مفاهیم مرتبط با فداکاری و ایثار اثرگذار و حرکت‌آفرین‌اند و قادرند فضای شعر و ذهنیت مخاطب را به‌صورت گسترده تحت تأثیر قرار دهند. از بن‌مایه‌های مهم شعر خشن و انقلابی گرمارودی، استفاده از واژه‌های مرتبط با جنگ است. واژه‌هایی چون سلاح، اسلحه،

۱۵۳ —————
بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ...
تفنگ، شمشیر، خون، زندان، مقاومت، اعتراض و...، گرمارودی در تمام دفترهای
شعری خود از واژه‌هایی چون سلاح، تفنگ، شمشیر و وطن استفاده کرده است. همچنین
در اشعار این شاعر، نمودهایی از تهدید و انذار نسبت به دشمنان دیده می‌شود. شعری
که از فراموش کردن برحذر می‌دارد و پنهان کردنِ عمقِ فاجعه را محکوم می‌کند و بیان
می‌کند که انتقام‌گیری از دشمنان حتمی است؛ همچنین گرمارودی متأثر از فرهنگ
دینی و به علت تعلقات طبقاتی و قشری و تأثیر نهاد خانواده بر ذهن و زبان او
درون‌مایه‌های ایدئولوژیکی را انعکاس داده است. درخصوص سیاوش کسرایی نتایج
نشان می‌دهد که اشعار وی با ساختاری حماسی و رمانتیک و محتوایی بر پایه عناصری
مانند روایت رنج مردم، دعوت به مبارزه، آگاهی‌بخشی و امید به آینده، مبارزه با
امپریالیسم، نمود ایدئولوژی و آرمان‌گرایی، اندیشه آزادی، لطافت و کودکانگی از
شاخص‌ترین نمایندگان شعر نو آرمان‌گرا، سیاسی و انقلابی، طی دهه‌های سی، چهل و
پنجاه به شمار می‌آید. روایت رنج مردم و دعوت به مبارزه جزء موضوعات جدایی‌ناپذیر
اشعار اوست. کسرایی به‌عنوان شاعری متعهد، هرگز قادر به نادیده گرفتن شرایط
اجتماعی استبدادزده و خفقان‌آوری که در آن می‌زیست، نبود. کسرایی که خود را از
طبقه رنج‌دیده و رنج‌کشیده می‌داند، در سراسر اشعارش، توده را به دریا شدن و متحد
شدن در برابر استبداد فرامی‌خواند و به‌این ترتیب او پرداختن به رنج توده و لزوم مبارزه
را همواره در تمام دفترهای شعری خود در اولویت قرار می‌دهد. از نظر کسرایی، تنها راه
رهایی ملت ایرانی اتحاد توده‌های مردم و حمایت از قهرمانانی است که برای حفظ کیان
ایران، جان‌فشانی می‌کنند. کسرایی شاعری است که هم در زندگی خود و هم در
زندگی شعری‌اش با ستیز زیسته است و آنچه در جامعه پرتنش و پرتضادِ زمان خود دیده
است، در قالب شعر بیان کرده است. کسرایی در هر فرصتی برای آگاهی‌بخشی به توده‌ها
استفاده می‌کند. او با استفاده از زبان استعاری دشمن ملت را به آن‌ها می‌شناساند. او
برخلاف دیگران، در انتظار تحوّل و انقلاب بوده است. کسرایی در اغلب اشعارش
همیشه امیدوار به سپیده‌دم، آینده، روز و روشنایی است. کار او از یک طرف امید دادن

به مردم است و از طرف دیگر هشدار دادن به صاحبان زور و زر و تزویر؛ همچنین از تحلیل عمقی وقایع و حالت انسانی نیز ناتوان نیست. درواقع چنین شخصی خوش‌بین و امیدوار است. در اندیشه سیاسی کسرای، تلاش برای مبارزه با سرمایه‌داری، بسیار مهم است و توده را برای براندازی استبداد و سرمایه‌داری ترغیب می‌کند. او هرگونه وابستگی به امپریالیسم را نفی می‌کند. کسرای ساخت نظام سرمایه‌داری را می‌شناخت و بر این امر واقف بودند که نظام سرمایه‌داری در وضعیت هژمونی قرار دارد. کسرای، آمریکا را به‌عنوان پرچم‌دار امپریالیسم، باشگاه فرومایگان و بازار بردگی معرفی می‌کند. او در اغلب دفترهای شعری خود به چارچوب تفکر و اهداف ایدئولوژیک خود اندیشیده و از شعر به‌عنوان وسیله‌ای برای تبلیغ مرامی و آرمانی بهره‌جسته است. در آثار کسرای آزادی، بزرگ‌ترین سرمایه‌انسان برای زندگی شرافتمندانه است، طوری که عزت نفس و شرافت انسانی انسان‌ها حفظ و رعایت شود. سلب آزادی مردم از جانب حاکمان مستبد یا از جانب بیگانگان صورت می‌گیرد. این امر سبب ترس و وحشت مردم می‌شود. کسرای در سرود آزادی که نخستین سرود پس از انقلاب اسلامی از رسانه‌ها پخش شد، به آزادی اشاره می‌کند و با به کار گرفتن واژه‌های سرخ، توده، خلق و تبر، اعلام می‌دارد که به مرام و هر آیینی که به آزادی باور دارد، علاقه‌مند است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۴). «بحثی درباره شعر چریکی». گوه‌ران. تهران. (۷ و ۸). ۵.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۹۵). «جستاری در مفهوم شعر مقاومت و پایداری». کیهان. ۷.
- انزایی نژاد، رضا (۱۳۸۰). «صبغه حماسی در شعر معاصر فارسی» کتاب ماه ادبیات و فلسفه. (۴۴). ۲۶-۳۱.
- پورجافی، علی حسین (۱۳۸۳). جریان‌های شعری معاصر فارسی (از کودتای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- حسن لی، کاووس (۱۳۸۶). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. چ ۶. تهران: ثالث.
- داودی مقدم، فریده؛ غلامی، وجیهه (۱۳۹۹). «نماد پردازی در شعر چریکی معاصر». ششمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه‌ی زبان و ادبیات ایران.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۹۱). ادبیات معاصر ایران. چ ۷. تهران: روزگار.

بررسی ساختار، محتوا و عناصر شعر چریکی در اشعار علی موسوی گرمارودی ... — ۱۵۵

- شاهرخ، مهدی (۱۳۹۹). «بررسی درون‌مایه‌های اجتماعی اشعار سیاوش کسرای». *مطالعات شهریارپژوهی*. ۲۷۷. ۱۷۴-۱۴۵.
- شمس لنگرودی، محمد (۱۳۸۷). *تاریخ تحلیل شعر نو*. چ ۶. تهران: مرکز.
- صادقی، محمد (۱۳۸۸). «آه‌ها در سینه‌ها گم کرده راه؛ درنگی درباره شعر چریکی ایران». *آیین*. ۲۱. ۶۳-۶۵.
- کسرای، سیاوش (۱۳۷۹). *منتخب سیزده دفتر شعر*. چ ۳. تهران: سخن.
- کسرای، سیاوش (۱۳۹۱). *مجموعه اشعار*. چ ۴. تهران: نگاه.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۵۶). *در سایه سار نخل ولایت*. چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۵۷). *عبور*. چ ۲. تهران: رز.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۵۸). *در فصل مردن سرخ*. چاپ اول. تهران: راه امام.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۳). *چمن لاله*. چاپ اول. تهران: زوار.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۶۸). *دستچین*. چاپ اول. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۷۳). *باران/خیم*. چاپ اول. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۷۵). *گزیده اشعار*. پیشگفتار بهاء الدین خرمشاهی. چاپ اول. تهران: مروارید.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۶). *خبرگزاری شاهد*. مصاحبه.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹). *تا محراب آن دوایر*. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹). *صدای سبز*. چ ۳. تهران: انتشارات قدیانی.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹). *ماهنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، مصاحبه.
- موسوی گرمارودی، علی (۱۳۹۳). *خبرگزاری مهر*، مصاحبه.

References

- Ahmadi, Hamid. (2005). "A discussion about guerilla poetry", Tehran: Ghohran, No. 7 & 8, p. 5.
- Anzabinejad, Reza. (2001). "Epic tone in contemporary Persian poetry", book of the month of literature and philosophy. No. 44, pp. 26-31.
- Davoudi Moghadam, Farida; Gholami, Vajiheh. (2019). *Symbolization in contemporary guerilla poetry*, Tehran: The 6th National Conference of Modern Researches in the Field of Iranian Language and Literature.
- Hassan Lee, Cavus. (2007). *Types of innovation in contemporary Iranian poetry*, 6th edition, Tehran: Salees publication.

- Ismaili, Reza. (2016). *a research on the concept of poetry of resistance and stability*, Tehran: Kayhan, p. 7.
- Kasraei, Siavash. (2000). *Selection of 13 books of poetry*, third edition, Tehran: Sokhan.
- Kasraei, Siavash. (2011). *Collection of poems*, fourth edition, Tehran: Negah.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1984). *Chaman Laleh*, First edition, Tehran: Zavar publishing.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2010). *Sadaye Sabz*, third edition, Tehran: Qadiani Publications.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1977). *Dar Sārr Nakhl Velayat*, first edition, Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1978). *Obour*, second edition, Tehran: Rose Publications.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1979). *In the season of Red Death*, first edition, Tehran: Rah Imam Publications.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1994). *Baran Akham*, 1st edition, Tehran: Islamic Propaganda Organization's artistic field publication.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (1996). *Selection of poems, preface by Bahauddin Khorramshahi*, first edition, Tehran: Morvarid Publications.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2007). *Dastchin*, first edition, Tehran: Publication of the Islamic Propaganda Organization's artistic department.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2007). *Shahed news agency*, interview.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2010). *Persian language and literature development monthly*, interview.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2010). *Ta Mehrab An Do Abro*, first edition, Tehran: Soreh Mehr Publishing Company.
- Moosavi Garmarodi, Ali. (2013). *Mehr news agency*, interview.
- Pourjafi, Ali Hossein. (2004). *Contemporary Persian poetic currents (from the coup of 1332 to 1357)*, third edition, Tehran: Amirkabir Publications.
- Rouzbeh, Mohammadreza. (2011). *Contemporary Iranian literature*, 7th edition, Tehran: Rozgar.
- Sadeghi, Mohammad. (2009). *Derangi about Iran's guerilla poetry*, article.
- Shahrokh, Mehdi. (2019). "A Study the social themes of Siavash Kasraei's poems. *Motaleat Shahriyarpajohi*. 7(27). 145-174.
- Shams Langroudi, Mohammad. (2008). *History of analysis of new poetry*, 6th edition, Tehran: Publishing Markaz.